



٤٤٧٩



۱۳۸۱ / ۹ / ۲۵

دانشگاه تربیت معلم تهران
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه الهیات

وزارت فرهنگ و آثار ملی ایران
تعمیرات و مرمت آثار

عنوان:

مقایسه آراء منطقی ابوعلی سینا و خواجه نصیرالدین طوسی
در مبحث جدل

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه و کلام اسلامی

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر بهجت واحدی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر مرتضی میرباقری

دانشجو:

الیاس موسوی خسروی

۴۴۸۷۹

پالیز ۸۱

تقدیم به :

- پدر و مادر عزیز و بزرگوارم، به پاس زحمات و تلاش‌های بی‌دریغشان که با بذل محبت خود، همواره، در تمام مراحل زندگی، بویژه در امر ادامه تحصیل، حامی و مشوق و پذیرای زحمات حقیر، بوده‌اند و آرامش خاطر ما را مدیون محبت‌ها و وجود خود ساخته‌اند.

- برادران و خواهران گرامی‌ام که همیشه یار و یاور بنده بوده‌اند و از هیچ محبتی دریغ ننموده‌اند.

تقدیر و تشکر:

حمد و سپاس خداوندی را شاید، که انسان را از ظلمت عدم و جهل نجات داد و به نور وجود و دانش آشنا ساخت و به او اندیشیدن آموخت.

در راستای شکر گذاری از درگاه عالم مطلق و عجز از سپاسگزاری از حضرت و بارگاه متعالی او که توفیق انجام این ناچیز را به من عطا کرد و از این رهگذر بر من منت نهاد و یاری ام نمود تا بتوانم در صحرای بیکران علوم، گامی کوچک بنهم، و مطابق با حدیث من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق، بر خود لازم می دانم، اکنون که امر تدوین این مختصر به پایان رسیده است از اساتید محترم و بزرگوار که تشعشات دانش و اندیشه آنها مفرح روح و جانم بود، تقدیر و تشکر بنمایم.

لذا، ابتدا از اساتید بزرگوارم، سرکار خانم دکتر بهجت واحدی و جناب آقای دکتر مرتضی میرباقری که راهنمایی و مشاورت حقیر را در امر تدوین این نوشته بر عهده داشتند، سپس از اساتید محترم و گرامی، بویژه حضرت آیت ... سید محمد بجنوردی «دام ظلّه العالی» (مدیر گروه)، آقای دکتر رسولی پور، آقای دکتر رضایی، آقای دکتر نقیب زاده و آقای دکتر موحد، و خانم حسین جانی (منشی گروه) به خاطر زحمات بی وقفه اش.

همچنین از زحمات تمام معلمان و دبیران و اساتید دوران ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و کارشناسی و همه دوستانی که حقیر را در گردآوری این رساله یاری نمودند بویژه عمومی بزرگوارم، سید سلیمان موسوی، تشکر و قدردانی نموده و توفیق روزافزون آنها را از خدای بزرگ مسئلت می نمایم.

«از رهگذر سرکوی شما بود هر نایقه که در دست نسیم سحر افتاده»

الیاس موسوی

چکیده پایان نامه:

عنوان پایان نامه: بررسی آراء منطقی ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی در مبحث جدل

نام و نام خانوادگی دانشجو: الیاس موسوی خسروی	استاد راهنما: سرکار خانم دکتر بهجت واحدی
استاد مشاور: جناب آقای دکتر مرتضی میرباقری	دانشکده: ادبیات و علوم انسانی
رشته تحصیلی: فلسفه و کلام اسلامی	تاریخ دفاع:

جدل یکی از مباحثی است که در منطق از جایگاهی خاص برخوردار می‌باشد، و از آن، در مواردی که به انحاء متعدد، از آوردن برهان معذوریم، می‌توان کمک جست.

لذا در این مختصر، در ضمن آراء ابن سینا و خواجه، بیان یک دوره کامل از مباحث جدل، وجه همت قرار گرفته است، بدین طریق که بعد از ذکر یک مقدمه وارد بحث بررسی بین آراء آن دو بزرگوار شده و در پایان، مبحث نتیجه‌گیری (مؤخره) ذکر شده است، (در واقع این پایان نامه شامل سه قسم می‌باشد که در قسمت اول، مقدمه، در قسم دوم، بررسی آراء (بدین طریق که بعد از بررسی آراء آن دو بزرگوار در هر زمینه، در پایان هر فصل، ماحصل بررسی ذکر شده است) و در قسمت سوم، نتیجه‌گیری (مؤخره) گنجانده شده است. حال این سه مبحث (مقدمه - بررسی - نتیجه‌گیری) در چهار بخش تنظیم شده است که در بخش اول به کلیات تحقیق، در بخش دوم به مقدمات بحث جدل، در بخش سوم به بحث مواضع جدل (و از آنجایی که مواضع در بحث جدل از اهمیت خاصی برخوردار هست و به خاطر شهرتش ممکن است در قیاس جدلی به عنوان مقدمه واقع شود، در این نوشتار توجه بیشتری به این مبحث شده است و چیزی حدود $\frac{2}{3}$ بحث را به این مبحث (مواضع) اختصاص داده‌ایم) و در نهایت در بخش چهارم به بحث وصایا (خاص و مشترک) و نتیجه‌گیری نهایی، پرداخته شده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	بخش اول: (کلیات بحث)
۲	- فصل اول (پیشگفتار):
۳	- فصل دوم (روش تحقیق):
۴	- فصل سوم (مقدمه):
۷	- فصل چهارم (جایگاه جدل):
۸	- فصل پنجم (نگاهی به صناعات خمس و مبادی آنها):

بخش دوم (مقدمات بحث جدل):

۱۵- ۱۹	- فصل اول (تعریف جدل):
۱۵	دیدگاه ابن سینا
۱۸	دیدگاه خواجه
۱۸	ماحصل بررسی
۱۹- ۲۴	- فصل دوم (بیان حال سائل و مجیب)
۲۰	دیدگاه ابن سینا
۲۲	دیدگاه خواجه
۲۴	ماحصل بررسی
۲۴- ۳۱	- فصل سوم (درمبادی، مقدمات، مسائل و مطالب جدلی):
۲۴	دیدگاه ابن سینا
۲۸	دیدگاه خواجه
۳۰	ماحصل بررسی
۳۱- ۳۶	- فصل چهارم (منافع جدل):
۳۱	دیدگاه ابن سینا
۳۴	دیدگاه خواجه
۳۶	ماحصل بررسی

۳۶-۴۱ فصل پنجم (جدل و دیگر محاورات):
۳۷ دیدگاه ابن سینا
۴۰ دیدگاه خواجه
۴۰ ماحصل بررسی
۴۱-۵۰ فصل ششم (جدل و دیگر صناعات):
۴۱-۴۵ (※) فرق جدل با برهان
۴۱ دیدگاه ابن سینا
۴۴ دیدگاه خواجه
۴۵ ماحصل بررسی
۴۵-۴۷ (※) فرق جدل با خطابه
۴۶ دیدگاه ابن سینا
۴۶ دیدگاه خواجه
۴۷-۴۸ (※) فرق جدل با مغالطه (سفسطه)
۴۷ دیدگاه ابن سینا
۴۸ دیدگاه خواجه
۴۸-۵۰ (※) فرق جدل با شعر:
۴۹ دیدگاه ابن سینا
۴۹ دیدگاه خواجه
۴۹ ماحصل بررسی
۵۰-۵۵ فصل هفتم (اجزاء قیاس جدلی و شرایط محمولات جدلی)
۵۰-۵۲ (※) اجزاء قیاس جدلی
۵۰ دیدگاه ابن سینا
۵۲ دیدگاه خواجه
۵۲-۵۵ (※) شرایط محمولات جدلی
۵۲ دیدگاه ابن سینا
۵۴ دیدگاه خواجه

۵۵	ماحصل بررسی
۵۶-۶۰	- فصل هشتم (ادوات کسب ملکه جدلی و فواید آنها)
۵۶	دیدگاه ابن سینا
۵۹	دیدگاه خواجه
۶۰	ماحصل بررسی

بخش سوم (در مواضع):

۶۲-۶۴	- فصل اول (تعریف موضع و اصناف آن)
۶۲	دیدگاه ابن سینا
۶۳	دیدگاه خواجه
۶۴	اصناف مواضع
۶۵-۸۵	- فصل دوم (مواضع اثبات و ابطال)
۶۵	دیدگاه ابن سینا
۷۷	دیدگاه خواجه
۸۵	ماحصل بررسی
۸۶-۱۰۲	- فصل سوم (مواضع اولی و اثر)
۸۶	دیدگاه ابن سینا
۹۴	دیدگاه خواجه
۱۰۱	ماحصل بررسی
۱۰۲-۱۲۷	- فصل چهارم (مواضع جنس)
۱۰۲	دیدگاه ابن سینا
۱۱۴	دیدگاه خواجه
		ماحصل بررسی ۱۲۷
۱۲۸-۱۵۳	- فصل پنجم (مواضع خاصه)
۱۲۸	دیدگاه ابن سینا
۱۴۱	دیدگاه خواجه

۱۵۲	ماحصل بررسی
۱۵۴- ۱۷۷	- فصل ششم (مواضع حد)
۱۵۴	دیدگاه ابن سینا
۱۶۸	دیدگاه خواجه
۱۷۷	ماحصل بررسی
۱۷۸- ۱۸۳	- فصل هفتم (مواضع هو هو والغیر)
۱۷۸	دیدگاه ابن سینا
۱۸۱	دیدگاه خواجه
۱۸۳	ماحصل بررسی

بخش چهارم (در وصایا و مؤخره):

۱۸۵- ۱۹۴	- فصل اول (وصایای خاص سائل)
۱۸۵	دیدگاه ابن سینا
۱۹۰	دیدگاه خواجه
۱۹۴- ۱۹۶	- فصل دوم (وصایای خاص مجیب)
۱۹۴	دیدگاه ابن سینا
۱۹۵	دیدگاه خواجه
۱۹۶- ۱۹۹	- فصل سوم (وصایای مشترک)
۱۹۶	دیدگاه ابن سینا
۱۹۸	دیدگاه خواجه
۱۹۹	ماحصل بررسی
۲۰۰	- فصل چهارم (مؤخره)

بخش اول: کلیات بحث

فصل اول: پیشگفتار

فصل دوم: بیان روش تحقیق

فصل سوم: مقدمه

فصل چهارم: جایگاه جدل

فصل پنجم: نگاهی بر صناعات خمس و مبادی آنها

پیشگفتار:

خداوند انسان را بر خلاف سایر حیوانات، به موجب نیروی تفکری که به او داده، اندیشمند آفریده است. با وجود این می‌بینیم که بشر در اندیشه‌هایش بسیار خطا می‌کند. از جمله اینکه چیزهایی را که علت نیستند، علت می‌پندارد و آنچه را که نتیجه تفکرش نیست، نتیجه می‌پندارد. لذا از روی مقدمات نادرست، فاسد را صحیح و صحیح را فاسد می‌انگارد. اینجاست که نیاز انسان به ضوابط و معیارهایی که اندیشه‌هایش را بواسطه آنها تصحیح کند و او را به نتیجه‌گیری درست ارشاد نمایند و به تنظیم افکرش تمرین دهند، احساس می‌شود.

گفته شده است که منطق وسیله‌ای است که ضوابط و قوانین تفکر و اندیشه را می‌آموزد و بواسطه آن انسان از خطا محفوظ مانده و به تصحیح افکارش ارشاد می‌شود. لذا از دیر زمان بزرگانی در صدد شناخت آن معیارها و تنظیم و دسته‌بندی آنها برآمده و منطق مدون را بوجود آورده‌اند که مشهورترین و رایج‌ترین آنها، منطق تدوینی ارسطوست. یکی از مباحث مهم منطقی، مبحث جدل می‌باشد که از بهترین فنون کلامی است و از طریق آن می‌توان از حقایق حقه دفاع کرد و در فهم حقایق به کسانی که قدرت کمتری در درک حقایق دارند، کمک نمود و یا در متدلل کسانی که قصد عناد در برابر عقاید حقه را دارند، به مبارزه کلامی برخاست و چون جدل یکی از مباحث منطقی است که در حوزه و دانشگاه (که جایگاه بحث از جدل در این دو نظام می‌باشد) مورد توجه کمتری قرار می‌گیرد. بنابراین مهم، بالطف و عنایت بی‌شائبه خداوندی و راهنمایی‌های استاد بزرگوارم، سرکار خانم دکتر وحیدی، بر آن شدم تا مبحث جدل را به عنوان موضوع پایان نامه تحصیلی خود برگزینم. و از آنجایی که ابن‌سینا و خواجه، دوتن از منطق دانان بزرگ در منطق قدیم می‌باشند، بهتر آن دیدم تا برای پربارتر شدن پایان نامه‌ام و جلوگیری از اطلاله کلام، همچنین منبذ و مختصر بودن آن فقط به بررسی آراء آن دو بزرگوار در این باب پردازم.

روش تحقیق:

می‌دانیم که شناخت انسان از محیط به شیوه‌های مختلفی صورت می‌پذیرد که براساس نحوه جمع‌آوری اطلاعات از محیط، ابزار آن و تحلیل و تفسیر آن اطلاعات، روش‌های تحقیق متفاوت می‌باشد. از جمله روش‌های متداول که در شناخت انسان مؤثر می‌باشد، به چهار روش و شیوه کلی می‌توان اشاره کرد.

۱- شیوه‌های مبتنی بر حجیت که در این روش، دانش یا شناخت از طریق استناد یا مراجعه به کسانی که از نظر علمی و اجتماعی تولیدکنندگان دانش به شمار می‌آیند، بدست می‌آید.
 ۲- شیوه‌های مبتنی بر رمز و راز که در این روش یکسری مسائل ماوراءطبیعی دخالت دارند و از محدوده عقل خارج می‌شوند. ۳- شیوه‌های خردگرانه که در این شیوه انسان‌ها چیزی را بر اساس خرد و اندیشه که لوازم خاص خود را دارد، می‌پذیرند. ۴- شیوه‌های علمی که متکی بر مشاهده و تجربه و آزمایش و کلاً شیوه‌های عینی است.

از طرفی دیگر می‌توان به دو روش تحقیق اشاره کرد: ۱- شیوه توصیفی ۲- شیوه تجربی، که وجه افتراق آن دو در شیوه و ابزار جمع‌آوری اطلاعات است. شیوه توصیفی که در آن محقق سعی می‌کند تا آنچه هست را بدون هیچگونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش دهد و از موقعیت نتایج عینی بگیرد^(۱). دارای مراتبی است که در ساده‌ترین نوع آن صرفاً پدیده‌ای توصیف می‌شود و در حالت متکامل تر آن علاوه بر توصیف، عوامل تشکیل دهنده آن پدیده نیز بررسی می‌شود^(۲). که شیوه‌های مقایسه‌ای، نتقدی، تلخیص و موردی^(۳) و... مراتب همان روش توصیفی می‌باشند که تکیه در این مختصر (تحقیق حاضر) بر شیوه مبتنی بر حجیت و در زمره روش‌های توصیفی از نوع بررسی موردی می‌باشد.

۱- رجوع شود به کتاب روش‌های تحقیق در علوم انسانی (دکتر نادری - دکتر سیف نراقی)

۲- روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (باقر سازوخانی)

۳- روش‌های تحقیق در علوم رفتاری (دکتر زهره سرمد - دکتر عباس بازرگان - دکتر الهه حجازی).

مقدمه:

بوعلی یکی از بزرگترین منطقدانان (در منطق قدیم) می باشد که در سال ۳۸۰ هجری در افسس بلخ متولد شد و در سال ۴۲۸ هجری در همدان درگذشت، از او آثار زیادی در زمینه منطق بر جای مانده است که مهم ترین آنها کتاب شفای اوست که به زبان عربی و به شیوه منطوق نه بخشی مطابق با ارغنون ارسطو - نگارش یافته است، (هر چند کتاب شفای او بر مبنای کتاب ارغنون ارسطو است، اما شرح یا ترجمه کتاب ارسطو نمی باشد، چون در بعضی موارد، عبارات ارسطو را نقد کرده و از عبارات جدیدی که ابتکارات خود اوست، استفاده نموده است، مثلاً او فنّ جدل کتاب شفا را بر خلاف فنّ طوبیقای (جدل) ارغنون ارسطو که در هشت مقاله منظم شده است، در هفت مقاله بیان نموده است و عباراتی از قبیل و تأملوما قبله العظیم و... را بیان نموده که خود نشانگر نوعی انتقاد و عدم پذیرش گفتار ارسطو می باشد)^(۱).

در این کتاب این سینا علاوه بر مباحث فلسفی و طبیعی و ریاضی، یک دوره کامل و مفصل از مباحث منطقی را بیان نموده است که یکی از آن مباحث، مبحث جدل می باشد. او این بحث را در هفت مقاله بیان می دهد که مقاله اول آن دارای ۱۰ فصل، مقاله دوم آن دارای ۶ فصل، مقاله سوم آن شامل ۴ فصل، مقاله چهارم آن شامل ۳ فصل، مقاله پنجم آن شامل ۵ فصل، مقاله ششم آن شامل ۱ فصل و مقاله هفتم آن شامل ۴ فصل می باشد که در مقاله اول بحث مقدمات جدل و در مقاله دوم تا ششم بحث مواضع را (در مقاله دوم، مواضع اثبات و ابطال و اولی و آخر، در مقاله سوم، مواضع جنس و در مقاله چهارم، مواضع خاصه و در مقاله پنجم، مواضع حد و در مقاله ششم مواضع هوووالغیر) و در مقاله هفتم بحث وصایای خاص و مشترک را مطرح می نماید. خواجه نیز همچون ابن سینا در علم منطق دستی توانا داشته که در سال ۵۹۷ هجری در طوس متولد شد و در سال ۶۷۳ هجری در بغداد از دنیا رفت. یکی از مهم ترین آثار منطقی او اساس الاقتباس می باشد که به زبان فارسی و به شیوه منطوق نه بخشی، نگارش یافته است. او مقاله ششم این کتاب را که شامل ۳ فن می باشد، به مبحث جدل اختصاص داده است، که فن اول شامل ۵ فصل در مقدمات، فن دوم شامل شش فصل در مواضع و فن سوم شامل ۳ فصل در وصایا می باشد.

بی شک او در تدوین این کتب توجه وافری به کتاب شفای بوعلی داشته است. در حدی که گویی این کتاب (اساس) ترجمه‌ای بر کتاب شفاست، (یا به عبارتی فارسی شده کتاب شفاست)، البته با اندکی دقت قابل فهم است که این کتاب ترجمه تحت اللفظی و خط به خط کتاب شفا نیست، بلکه ترجمه‌ای است به صورت آزاد که در آن خواجه بیشتر به مطالب و محتوای کتاب شفا نظر داشته است تا به عبارات آن، زیرا با مطالعه دقیق آن متوجه می‌شویم مطالبی موجود هست که این سینا آن را بیان نموده در حالیکه خواجه بدان توجه‌ای نکرده است و بالعکس، همچنین مواردی یافت می‌شود که خواجه عبارات ابن سینا را مندمج کرده و در عباراتی بسیار کوتاه یا رمزگونه بیان نموده یا در بعضی تقسیم‌بندی‌های موجود در این کتاب به نظر می‌رسد که تنسیب بندی‌های خواجه متکامل‌تر و جامع‌تر از تقسیمات ابن سینا و مطالبش جدیدتر می‌باشد. (۱)

حال برای اینکه این نوشتار به طریق منطقی بیان گردد، بهتر آن دیدیم تا ابن سینا را که مطالب را از نظر کمی و کیفی با گستردگی خاص و منحصر به فردی بیان نموده (قبل و بعد او کسی با این گستردگی در منطق سخن نگفته است)، همچنین خواجه را که حدود دو قرن بعد از ابن سینا می‌زیسته و آراء بسیاری از منطقیون بعد از ابن سینا را دیده و مورد ملاحظه قرار داده است (بخصوص به نظرات فخر رازی و شیخ اشراق که آراء بوعلی را نقد کرده‌اند، توجه کرده است) و با توجه به اینها کتاب اساس خود را نوشته است، انتخاب نماییم.

و از آنجایی که کتاب شفا و اساس، اصلی‌ترین کتب آن دو بزرگوار در علم منطق می‌باشند و تا حدودی مبحث جدل را در این دو کتاب بهتر و مفصل‌تر بیان نموده‌اند و اکثر قریب به اتفاق متأخران متأثر از آن دو بویژه شفای بوعلی بوده‌اند، در این مختصر تکیه و توجه اساسی به همین دو کتاب بوده است، بدین طریق که بعد از مطالعه و ترجمه دقیق و خط به خط جدل در کتاب شفای بوعلی، کتاب اساس نیز مکرراً مورد مطالعه قرار گرفته و به زبان فارسی امروز برگردانده شده است، سپس مقایسه جزء جزء آن دو متن و یافتن موارد خلاف و وفاق آن دو، وجه همت قرار گرفته و کوشش شده تا آنها را به شکل منطقی دسته‌بندی کرده و در برخی موارد برای وضوح

۱- راجع شود به بخش نتیجه‌گیری مواضع اثبات و ابطال (ص ۸۵) (همین جزوه)

بحث. مطالب به صورت نمودار آورده شده است. در ضمن چون شفی بوعلی هم تادم زهدی براساس الاقباس دارد و هم از نظر حجم گسترده تر از اساس است آن را اصل قرار داده و کتاب اساس به آن مقدمه شده است.

دیگر اینکه به لحاظ محدودیت کمی رساله، تنها به ذکر عباراتی که مستقیماً مرتبط با عنوان رساله بوده، بسنده نموده، گرچه سعی شده است تا هیچ یک از موارد خلاف و وفاق (اشتراک و اختلاف) ناگفته نماند.

در ضمن نگارنده برای درک هر چه بهتر مطالب، دیگر کتب منطقی آن دو بزرگوار از قبیل، نجات، اشارات، منطق المشرقیین، فصدۃ المزدوجه و **دانشنامهٔ علان** و همچنین منطق تجرید، و شرح شریعت خواجه را نیز ملاحظه نموده و اگر مورد اختلافی بوده ذکر کرده است. حتی سعی شده تا اگر احیاناً یکی از آن دو بزرگوار در جاهای متعدد مطلبی را متفاوت بیان کرده است، نیز روشن شود.

لازم به ذکر است که در متن حاضر، برای اختصار، ابوعلی سینا را بوعلی، خواجه نصیرالدین طوسی را خواجه، اساس الاقباس را اساس و شرح اشارت خواجه را تحت عنوان شرح اشارت بیان نموده ایم.